

بررسی تحلیلی نظام حقوقی حاکم بر جنایات و ضمانت اجرای آن در پرتو فقه و قوانین موضوعه



حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محمد مصدق، عضو هیئت علمی دانشگاه و معاون اول قوه قضاییه

چکیده

با وجود آنکه به موجب بند «پ» ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی، «دیه» در ردیف مجازات‌ها شمرده شده است، لکن این قسم از مجازات، با لحاظ ماهیت دینی آن، از برخی اصول حاکم بر مجازات‌ها؛ همچون اصل شخصی بودن مجازات‌ها تبعیت نمی‌کند. ویژگی‌های مجازات و هدف بازدارندگی از اجرای آن، چنین ایجاب می‌کند که مجازات صرفاً بر مرتکب تحمیل شود؛ لیکن دیه گاه توسط مرتکب پرداخت می‌شود؛ بعضاً عاقله مرتکب عهده‌دار پرداخت هستند و در مواردی هم بیت‌المال محل پرداخت دیه است. جنایات مستوجب دیه به اعتبار مسئول پرداخت آن، با ملاک‌هایی؛ چون نوع جنایت (عمد، شبه‌عمد و خطای محض)، میزان جنایت (موضحه و کمتر از آن) و شناخته نشدن جانی تعیین شده است که در فرض اخیر، به دلالت قاعده فقهی «لایبطل دم امری مسلم»، پرداخت دیه از بیت‌المال صورت می‌گیرد.

فصل چهارم از کتاب دیات قانون مجازات اسلامی جدید در قالب بیست و شش ماده، مسئولان پرداخت دیه را مشخص کرده است. این فصل واجد نوآوری‌هایی است که در قانون سابق پیش‌بینی نشده بود. واژگان کلیدی: دیه، ارش، جانی، عاقله، بیت‌المال



گفتار نخست - مسئول پرداخت دیه در جنایت عمدی و شبه‌عمدی

ماده ۴۶۲ قانون مجازات اسلامی در باب مسئول پرداخت دیه در جنایات عمد و شبه‌عمد مقرر می‌دارد: «دیه جنایت عمدی و شبه‌عمدی بر عهده خود مرتکب است».

حکم این ماده در ماده ۳۰۴ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) بیان شده بود که مقرر می‌داشت: «در قتل عمد و شبه‌عمد مسئول پرداخت دیه خود قاتل است».

چند نکته پیرامون این ماده:

۱- تفاوت ماده ۴۶۲ با ماده ۳۰۴ قانون مجازات سابق آن است که قانون سابق صرفاً در خصوص مسئول پرداخت دیه قتل بحث می‌کرد، اما ماده ۴۶۲ مطلق جنایت را مدنظر قرار داده و شامل جنایات در حکم شبه‌عمد نیز می‌شود.

۲- محتوای این ماده بر اساس اصل شخصی بودن مجازات است و اجماع فقها و روایات معتبر نیز مؤید آن است.

۳- در مواردی که شرکت‌های بیمه مسئول پرداخت دیه هستند، در خصوص مهلت پرداخت دیه و سایر موارد بر اساس مفاد قرارداد عمل خواهد شد.

۴- بر اساس نظریه مشورتی^(۱) اداره حقوقی قوه قضاییه: «مسئولیت پرداخت دیه در قتل ناشی از حوادث کاری که به پیمانکار واگذار شده، بر عهده پیمانکار است».

۵- به موجب این ماده، پرداخت دیه در جنایت عمدی، ناظر به فرضی است که مجنی‌علیه یا ولی دم از حق قصاص صرف‌نظر کند و بخواهد دیه بگیرد یا از ابتدا در جنایت عمدی قصاص امکان‌پذیر نباشد. با توجه به ماده ۴۹۲ این قانون^(۲) دیه جنایت عمدی و شبه‌عمدی اعم از آن که جنایت به مباشرت یا به تسبیب واقع شده باشد، بر عهده مرتکب است.

۶- چنانچه پدر در اثر بی‌احتیاطی در امر رانندگی موجب قتل غیرعمد پسر هشت ساله خود شود و مادر طفل مطالبه دیه کند، در فرضی که طفل غیر از پدر و مادر وارث دیگری نداشته باشد، با توجه به اینکه بر اساس ماده ۴۵۱ قانون مجازات اسلامی، در قتل شبه‌عمد، قاتل از دیه مقتول ارث نمی‌برد و نیز مطابق ماده ۹۰۶ قانون مدنی که مادر در فرض انفراد تمام اموال فرزند را به ارث می‌برد، پدر موظف است تمام دیه فرزند را به همسرش؛ یعنی به مادر مقتول پرداخت کند.

اداره حقوقی قوه قضاییه در یک نظریه مشورتی^(۳) آورده است: «قاتل غیرعمد که راننده مقصر است و خود وارث متوفی می‌باشد، از دیه وی ارث نمی‌برد و به این موضوع در ماده ۴۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز تصریح شده است. البته این حکم تأثیری در مسئولیت بیمه‌گر نداشته و موجب کاهش آن نسبت به دیه متعلق به سایر ورث نیست و کل دیه متوفی به سایر ورثه غیر از راننده مقصر پرداخت می‌شود. همچنین در نظریه مشورتی دیگر^(۴) چنین آمده است: «در صورتی که مرتکب قتل شبه‌عمد مادر مقتول باشد و مادر و پدر تنها ورثه مقتول باشد، نظر به اینکه بر اساس ماده ۴۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قاتل (مادر) در هر حال از دیه فرزند مقتول خود ارث نمی‌برد، طبق ماده ۹۰۶ قانون مدنی تمام دیه به پدر می‌رسد». اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی دیگری^(۵) در این موضوع استدلال بیشتری کرده و اعلام داشته است: «قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ در خصوص ارث بردن قاتل از دیه در قتل‌های شبه‌عمد ساکت بود؛ ولی بنا به تصریح ماده ۴۵۱ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، قاتل در قتل شبه‌عمد و خطای

محض از دیه مقتول ارث نمی‌برد و چون این امر برگرفته از مقررات شرعی است و مقنن به موجب قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) مقررات شرعی مربوط به دیات یا قصاص را با لحاظ جزئیات امر و نکاتی که در قانون سابق مسکوت بوده، تصویب نموده است؛ لذا مقررات ماده ۴۵۱ قانون مؤخرالتصویب، شامل جرایمی که پیش از لازم‌الاجرا شدن این قانون واقع شده است نیز می‌شود».

۷- در خصوص مسئولیت بیت‌المال نسبت به پرداخت دیه در فرض عدم امکان پرداخت توسط جانی یا عاقله وی، قانون ساکت است؛ لیکن نظر مشهور فقهای معاصر در صورت اعسار جانی از پرداخت دیه آن است که دیه بر ذمه او باقی‌مانده و در نهایت به صورت تقسیط ملزم به پرداخت آن است؛ و البته حاکم شرع در صورت صلاحدید می‌تواند دیه را از بیت‌المال پرداخت کند، ولیکن چنانچه مسئول پرداخت دیه عاقله بوده و از پرداخت آن عاجز باشد، مطابق ماده ۴۷۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)^(۶) در صورتی که عاقله به دلیل عدم تمکن مالی نتواند دیه را در مهلت مقرر بپردازد، دیه توسط مرتکب و در صورت عدم تمکن وی از بیت‌المال پرداخت خواهد شد.

۸- مستفاد از تبصره ماده ۹ و مواد ۱۲، ۳۲ و ۳۴ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵، در حوادث رانندگی منجر به خسارت بدنی غیر فوت، بیمه‌گر مکلف است در صورت تحقق شرایط قانونی مقرر در ماده ۳۴ قانون فوق‌الذکر، بدون نیاز به رأی قطعی مرجع قضایی نسبت به پرداخت حداقل پنجاه درصد از دیه تقریبی به اشخاص



ثالث زیان دیده با توجه به مستندات ارائه شده و از جمله نظریه پزشکی قانونی اقدام و سپس با معین شدن میزان قطعی دیه که به موجب حکم قطعی مرجع قضایی خواهد بود، مابقی دیه را پرداخت کند. ملاک پرداخت باقی مانده دیه موضوع ماده ۳۴ قانون مارالذکر با لحاظ تبصره ماده ۳۲ این قانون، قطعیت حکم دادگاه مربوطه است و تعیین مبلغ دیه قطعی از سوی مرجع قضایی باید بر اساس موازین قانونی مربوط به مقادیر دیات باشد و صرف توافق طرفین به پرداخت مبلغ معین، بیمه گر را مکلف به پرداخت مبلغ توافق شده نمی کند؛ مگر اینکه مبلغ مذکور از میزان دیه متعلق کمتر باشد. ضمانت اجرای تخلف شرکت بیمه (بیمه گر) از پرداخت دیه قطعی یا علی الحساب دیه، در ماده ۳۳ و تبصره ماده ۳۶ قانون فوق الذکر تعیین شده است که در صورت تخلف بیمه گر از موارد مذکور، مطابق مستندات قانونی یاد شده رفتار می شود.^(۷)

گفتار دوم- مسئول پرداخت دیه در جنایت خطای محض

ماده ۴۶۳ قانون مجازات اسلامی در خصوص مسئول پرداخت دیه در جنایت خطای محض مقرر می دارد: «در جنایت خطای محض در صورتی که جنایت با بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود، پرداخت دیه بر عهده عاقله است و اگر با اقرار مرتکب یا نکول او از سوگند یا قسامه ثابت شد بر عهده خود او است. تبصره- هرگاه پس از اقرار مرتکب به جنایت خطایی، عاقله اظهارات او را تصدیق نماید، عاقله مسئول پرداخت دیه است».

حکم این ماده در ماده ۳۰۵ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) بدین نحو بیان شده بود:

«در قتل خطای محض در صورتی که قتل با بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود پرداخت دیه به عهده عاقله است و اگر با اقرار قاتل یا نکول او از سوگند یا قسامه ثابت شد به عهده خود اوست».

چند نکته پیرامون این ماده:

۱- در مقام بیان مشروعیت عاقله می توان گفت؛ با توجه به اینکه در جنایت خطای محض هیچ یک از جانی و عاقله مجرم نیستند و پرداخت دیه در این خصوص از باب جبران خسارت است نه مجازات؛ بنابراین پرداخت دیه از سوی عاقله موجب تشفی خاطر جانی بوده و رفتار پسندیده ای است که پیش از ظهور اسلام نیز در جامعه آن زمان متداول بوده و اسلام هم حکم عرف حاکم را تأیید کرده است.

۲- ماده ۴۶۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) مقرر می دارد: «عاقله مکلف به پرداخت دیه جنایت های کمتر از موضعه نیست، هر چند مرتکب نابالغ یا مجنون باشد». اطلاق این حکم، شامل مواردی که جنایت وارده از سوی نابالغ و مجنون کمتر از موضعه باشد نیز می شود. به عبارتی، در این مورد میان بالغ، نابالغ، عاقل و مجنون تفاوتی نیست و ضمان به عهده مرتکب است؛ مضافاً آنکه بر اساس ماده ۴۶۳ این قانون، اصل بر ضمان مرتکب بوده و ضمان عاقله بر خلاف اصل است و تا زمانی که دلیل قطعی یا اطمینان آور یافت نشود که عاقله را عهده دار پرداخت دیه کند، باید مرتکب را مسئول جبران جنایت خویش دانست؛ بنابراین دیه توسط ولی از مال نابالغ یا دیوانه پرداخت می شود؛ همان گونه که ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی در مورد ضرر و زیان وارده توسط نابالغ و دیوانه مقرر داشته است: «هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر غیر شود

ضامن است». در این صورت چنانچه آنان اموالی از خود دارا باشند، ولی و قیم از آن می پردازد و گرنه دین بر ذمه آنان ثابت و باقی است تا آنکه دارایی پیدا کنند.

۳- بر اساس ماده ۴۶۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) در جراحات خطایی که میزان دیه به میزان دیه موضعه یا بیشتر باشد، در هر صورت و حتی در صورت تمکن مالی جانی، دیه بر عهده عاقله است و عاقله حق رجوع به جانی را ندارد.

۴- بر اساس نص صریح ماده ۴۶۳، نسبت به دیه ای که با نکول متهم اثبات می شود، عاقله مسئولیتی ندارد و مرتکب باید دیه را پرداخت کند.

۵- بر اساس ماده ۴۴۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) مقررات دیه مقدر در مورد ارش نیز جریان دارد؛ مگر اینکه در این قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد. با توجه به اینکه در خصوص مسئولیت عاقله نسبت به پرداخت ارش، ترتیب دیگری مقرر نشده است؛ بنابراین عاقله در خصوص ارش هم مسئولیت دارد.

۶- با توجه به اینکه مسئولیت عاقله از باب مجازات نیست؛ بنابراین تعقیب کیفری عاقله و صدور کیفرخواست علیه وی فاقد توجیه قانونی است. همین حکم در مورد صدور قرار تأمین قانونی نسبت به عاقله جاری است. طبق تبصره دو ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری، الزامات و محدودیت های مربوط به متهم در مورد عاقله اعمال نمی شود. با عنایت به اینکه عاقله مجرم نیست و اخذ تأمین از غیر مجرم بر خلاف اصول قضایی است، لذا امکان اخذ تأمین از عاقله وجود ندارد.

۷- هرگاه دادسرا نسبت به جرم ارتكابی توسط مجنون قرار موقوفی تعقیب صادر کند، مطالبه دیه از عاقله نیازی به طرح دعوای حقوقی در دادگاه حقوقی



ندارد؛ بلکه مستنداً به ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)^(۸) با تنظیم گردش کار و ارسال پرونده به دادگاه کیفری، توسط همان دادگاه رأی صادر می‌شود.

۸- چنانچه قتل خطایی با اقرار قاتل و نیز با شهادت شهود ثابت شود، خود قاتل مسئول پرداخت دیه است؛ زیرا مسئولیت عاقله استثنایی بر اصل شخصی بودن مجازات‌ها است و در موارد استثنا باید به قدر متیقن اکتفا کرد؛ مگر اینکه عاقله پس از اقرار مرتکب به جنایت خطایی، اظهارات او را تصدیق کند که در این صورت بر اساس تبصره ماده ۴۶۳ مسئول پرداخت دیه است.

۹- چون محکوم کردن اشخاص بدون استماع مدافعات آنان شرعاً و قانوناً موجه نیست، لذا ضرورت دارد در قتل خطای محض عاقله را برای دادرسی دعوت کرد؛ زیرا ممکن است وی بتواند در دادگاه اثبات کند که قتل خطای محض یا از مواردی نیست که عاقله مسئول پرداخت دیه باشد.

۱۰- هرگاه احراز شود جانی حین ارتکاب جرم مجنون یا نابالغ بوده، جنایت وی به حکم تبصره یک ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)^(۹) به منزله خطای محض بوده و پرداخت دیه آن به عهده عاقله است؛ بنابراین بهبودی مجنون یا بلوغ صغیر و اقرار و اعتراف وی به ارتکاب جنایت تاثیری در این خصوص ندارد و کماکان دیه به عهده عاقله است و مرجع قضایی نیز در صورت اثبات وقوع بزه و توجه اتهام به متهم و وقوع بزه و توجه اتهام و احراز جنون یا صغر سن در زمان ارتکاب، اتخاذ تصمیم می‌کند و قرار موقوفی تعقیب نسبت به قاتل و حکم به پرداخت دیه توسط عاقله صادر خواهد کرد.

۱۱- بر اساس ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)^(۱۰) چنانچه شخص مست در حالی که به طور کلی مسلوب الاراده شده مرتکب جنایتی شود، شخصاً مسئول پرداخت دیه خواهد بود. پرداخت دیه توسط خود مرتکب در این فرض شاید از باب «ضمن نفوس» باشد.

در مقام بیان مشروعیت عاقله می‌توان گفت؛ با توجه به اینکه در جنایت خطای محض هیچ یک از جانی و عاقله مجرم نیستند و پرداخت دیه در این خصوص از باب جبران خسارت است نه مجازات؛ بنابراین پرداخت دیه از سوی عاقله موجب تشفی خاطر جانی بوده و رفتار پسندیده‌ای است که پیش از ظهور اسلام نیز در جامعه آن زمان متداول بوده و اسلام هم حکم عرف حاکم را تأیید کرده است.

۱۴- طبق بند «ب» ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)^(۱۱) عمد صغیر و مجنون خطای محض است. از طرف دیگر طبق ماده ۱۶۸^(۱۲) اقرار صغیر و مجنون به دلیل عدم بلوغ و فقدان عقل نافذ نیست. ماده ۴۶۳ نیز که مسئولیت پرداخت دیه را به دو صورت فرض کرده است، فقط مربوط به بالغ عاقل است و منصرف از صغیر و مجنون است؛ زیرا فرض اقرار و نکول از سوگند و یا نکول از قسامه برای صغیر و مجنون متصور نیست؛ بنابراین در صورت ارتکاب جنایت توسط صغیر و مجنون، یک فرض بیشتر قابل تصور نیست و آن پرداخت دیه توسط عاقله است. اداره حقوقی قوه قضاییه نیز به موجب یک نظریه مشورتی^(۱۳) این برداشت را تأیید نموده و در این خصوص چنین اظهار داشته است: «با توجه به مواد ۱۶۸ و ۲۰۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، اقرارکننده و اداکننده سوگند باید بالغ باشند؛ بنابراین شمول ماده ۴۶۳ قانون فوق‌الذکر از حیث اقرار یا نکول از سوگند نسبت به فرد نابالغ مرتکب، موضوعاً منتفی است ...».

۱۵- در مواردی که وفق قانون خود طفل ضامن پرداخت دیه (دیه جراحات کمتر از موضحه) و خسارت است، دادگاه اطفال و نوجوانان با دعوت ولی یا قیم وی و استماع مدافعات آنها، حکم به پرداخت دیه یا خسارات از اموال طفل صادر می‌کند و با توجه به مواد ۱۱۸۳ و ۱۲۱۶ قانون مدنی، ولی طفل ملزم نیست خسارات وارده شده از ناحیه طفل را از مال خود جبران کند؛ مگر اینکه مورد مشمول ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ باشد و لذا در صورت امکان تصور مسئولیت مدنی برای طفل در پرداخت خسارت، ادای آن از مال طفل بر عهده ولی وی است.

۱۲- در خصوص اجرای مفاد ماده ۴۶۳ در فرضی که جنایت با یک شاهد مرد و دو شاهد زن و سوگند مدعی اثبات می‌شود، از نظر فقهی اختلاف نظر وجود دارد. لیکن می‌توان گفت که اطلاق کلمه «بینه» در ماده ۴۶۳، این فرض را نیز شامل می‌شود؛ بنابراین چنانچه جنایت با یک شاهد مرد و دو شاهد زن اثبات شود، پرداخت دیه به عهده عاقله خواهد بود.

۱۳- با توجه به ماده ۴۶۴، تنها در صورتی که عاقله خطا بودن جنایت ارتکابی از سوی متهم را انکار کند، قول وی با سوگند پذیرفته می‌شود و صرف اظهار بی‌اطلاعی عاقله برای این امر کفایت نمی‌کند.

۱۶- احراز تأیید اظهارات مرتکب توسط عاقله، شرط اعمال تبصره ماده ۴۶۳ است. به نظر می‌رسد چنانچه دادگاه از طریق دیگری احراز کند که عاقله اظهارات مرتکب را تأیید می‌کند، نیازی به دعوت نیست، در غیر این صورت باید دعوت کند. ۱۷- چنانچه متهم صغیر باشد و تنها دلیل علیه وی، اظهارات او باشد، نظر به اینکه بلوغ از شرایط اقرار است، با لحاظ فقدان سایر امارات و دلایل، نمی‌توان بر اساس اظهارات طفل ممیز وقوع عمل مجرمانه از ناحیه وی را محرز دانست. اقرار غیربالغ از جهت قانونی و شرعی اعتبار ندارد و دادگاه نمی‌تواند صرفاً بر اساس اظهارات طفل ممیز حکم صادر کند.

۱۸- در صورت پذیرش اظهارات طفل توسط عاقله، با عنایت به اینکه طبق ماده ۴۶۳، عاقله مسئول پرداخت دیه جرمی که با اقرار مرتکب ثابت شده باشد نیست، به لحاظ عدم اعتبار اقرار طفل، اگر دلایل معتبر دیگری در دست نباشد، محکومیت طفل دارای وجهت قانونی نیست و به تصریح ماده ۴۶۳ قانون مجازات اسلامی، عاقله مسئول پرداخت دیه جرمی که با اقرار ثابت شده باشد نیست؛ اعم از اینکه عاقله وقوع فعل مجرمانه را بپذیرد و یا مردود شمرد.

۱۹- وفق بند «ت» ماده ۱۰ قانون شوراهای حل اختلاف، دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی قابل طرح در شورای حل اختلاف نیست. برخی از شرکت‌های بیمه همانند بیمه ایران با این توجیه که شورای حل اختلاف صلاحیت رسیدگی ندارد و دیه در ردیف اموال دولتی و عمومی است، از پرداخت دیات مردم به رغم صدور گزارش خودداری می‌کنند. این در حالی است که با عنایت به مفهوم مخالف تبصره چهارم ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی ماده ۳

قانون بیمه اجباری خسارت واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۶/۴/۲۸ هیئت وزیران،^(۱۴) «در مواردی که بین طرفین حادثه در خصوص تعیین مقصر و میزان تقصیر اختلاف نظر نباشد، پرداخت خسارت بدنی بدون نیاز به رأی مرجع قضایی و با ارائه سایر مدارک مذکور در این ماده امکان‌پذیر است»؛ بنابراین گرچه گزارش اصلاحی صادره از مرجع قضایی، رأی در معنای اخص محسوب نمی‌شود، اما هرگاه حاوی توافق طرفین بر موارد مذکور در تبصره چهارم ماده ۱۰ باشد، از سوی بیمه‌گر در حدود تعهدات مذکور در بیمه‌نامه لازم‌الاجرا است.^(۱۵)

تبصره- در صورتی که برخی از افراد عاقله سوگند یاد نمایند از پرداخت دیه معاف می‌شوند و سهم آنها به وسیله مرتکب پرداخت می‌گردد.

این ماده برگرفته از ماده ۳۱۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) است که مقرر می‌داشت: «هرگاه اصل قتل با شهادت شهود عادل ثابت شود و قاتل مدعی گردد که خطاء انجام شده و عاقله منکر خطایی بودن آن باشد، در صورتی که عاقله سوگند یاد کند قول عاقله مقدم بر قول جانی می‌باشد».

چند نکته پیرامون این ماده:

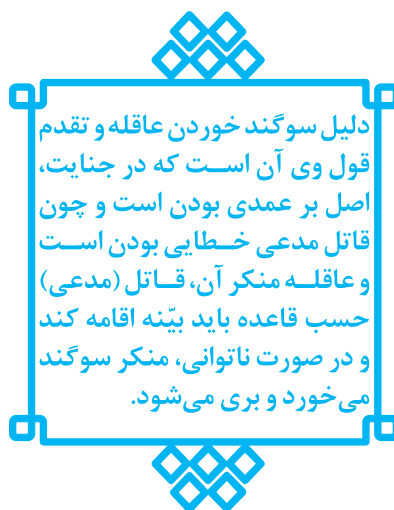
۱- جهات تمایز حکم ماده ۴۶۴ و ماده ۳۱۰ قانون سابق عبارت است از:

نخست، ماده ۳۱۰ فقط مربوط به قتل است، اما در ماده ۴۶۴ به صورت مطلق از جنایت بحث شده است.

دوم، دلیل اثبات در ماده ۳۱۰ فقط شهادت است؛ اما در ماده ۴۶۴، علم قاضی و قسامه نیز به عنوان دلیل اثبات جنایت آورده شده است.

سوم، در قانون قدیم به این مطلب تصریح نشده بود که اگر عاقله سوگند یاد نکند همچنان حکم مذکور در ماده ۳۱۰ جاری می‌شود، اما قانون جدید این مورد را هم مورد نظر قرار داده است که اگر عاقله سوگند یاد نکند، ملزم به پرداخت دیه می‌شود.

چهارم، حکم مندرج در تبصره ماده ۴۶۴ قانون جدید در قانون سابق تصریح نشده بود.



گفتار سوم- ثبوت اصل جنایت با شهادت، علم قاضی یا قسامه و تعیین تکلیف در فرض اختلاف مرتکب و عاقله در نوع جنایت

ماده ۴۶۴ قانون مجازات اسلامی، در خصوص تعیین تکلیف در فرض ثبوت اصل جنایت با شهادت، علم قاضی یا قسامه و اختلاف مرتکب و عاقله در نوع جنایت، مقرر می‌دارد: «در موارد ثبوت اصل جنایت با شهادت، علم قاضی یا قسامه، اگر مرتکب مدعی خطایی بودن



مسلح و سازمان‌های تابعه یا وابسته به آنها مصوب ۱۳۷۹ خارج است.^(۱۷)

گفتار پنجم - عدم ضمان عاقله در اتلاف مال به طور خطایی

به موجب ماده ۴۶۶ قانون مجازات اسلامی، «عاقله، تنها مکلف به پرداخت دیه خطای محض است، لیکن ضامن اتلاف مالی که به‌طور خطایی تلف شده است نمی‌باشد».

حکم مندرج در این ماده در صدر ماده ۳۱۱ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) بدین شکل مطرح شده بود: «عاقله فقط عهده‌دار پرداخت خسارت‌های حاصل از جنایت‌های خطایی محض از قتل تا موضحه است».

چند نکته پیرامون این ماده:

۱- در دعاوی کیفری، عاقله طرف دعوا نیست و محکومیت وی نیز وجه قانونی ندارد؛ بلکه دیه را از سوی مجنی‌علیه پرداخت می‌کند.

۲- چنانچه شخصی توسط مجنون مورد ایراد ضرب و جرح عمدی قرار گرفته و جنون مرتکب به تأیید پزشک قانونی رسیده باشد، نظر به ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)^(۱۸) که مجنون را فاقد مسئولیت کیفری دانسته است؛ و با عنایت به قسمت آخر تبصره یک ماده ۱۵۰ همین قانون که مقرر می‌دارد: «... نسبت به مجازات‌هایی که جنبه حق‌الناس دارد مانند قصاص و دیه و همچنین ضرر و زیان ناشی از جرم، جنون مانع از تعقیب و رسیدگی نیست»؛ همچنین طبق ماده ۲۹۲ این قانون،^(۱۹) ارتکاب جنایت به وسیله مجنون خطای محض محسوب می‌شود که حسب ماده ۴۶۶ عاقله مکلف به پرداخت دیه خطای محض است، در چنین فرضی،

گفتار چهارم - عدم تکلیف عاقله به پرداخت دیه جنایات وارد بر خود توسط مرتکب

به موجب ماده ۴۶۵ قانون مجازات اسلامی، «عاقله مکلف به پرداخت دیه جنایت‌هایی که شخص بر خود وارد می‌سازد نیست».

حکم این ماده برگرفته از ذیل ماده ۳۱۱ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) است که مقرر می‌داشت: «در موارد ذیل عاقله ضامن نمی‌باشد:

الف- جنایت‌های خطایی که شخص بر خودش وارد آورد؛

ب- اتلاف مالی که به‌طور خطای محض حاصل شود».

چند نکته پیرامون این ماده:

۱- حکم مذکور در این ماده، برگرفته از احکام شرعی است؛ زیرا جنایت شخص بر خودش موجب مسئولیت نیست تا به دنبال تعیین مسئول آن باشیم و بر همین اساس، عاقله هم ضامن نیست.

۲- در فرضی که سرباز وظیفه یا پایور خودکشی کند، با توجه به بند «پ» ماده ۴ و ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی «قانون بیمه عمر و حوادث پرسنل نیروهای مسلح و سازمان‌های تابعه یا وابسته به آنها مصوب ۱۳۷۹»، با توجه به لزوم وجود حسن نیت برای شخصی که از قرارداد بیمه منتفع می‌شود و با لحاظ عموماً قانونی مذکور در قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶؛ از جمله مواد ۱۴ و ۱۶ این قانون، در فرض استعلام، به سرباز وظیفه یا پایوری که خودکشی کرده است دیه یا غرامتی تعلق نمی‌گیرد و موضوع از شمول حمایت‌های مقرر در قانون بیمه عمر و حوادث پرسنل نیروهای مسلح، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای

۲- حکم ماده ۴۶۴ در صورتی جاری است که مرتکب دلیلی برای خطایی بودن قتل نداشته باشد؛ چون سوگند در جایی به کار می‌رود که دلیل موجود نیست.

۳- برخی فقها معتقدند که مسئولیت عاقله به جامعه‌ای اختصاص دارد که نظام قبیل‌های بر آن حاکم است و در جامعه ما که چنین نظامی وجود ندارد و وابستگی حقوقی منتفی است، نمی‌توان بستگان جانی را مسئول پرداخت دیه دانست.

۴- پرداخت دیه به ترتیب طبقات ارث و به‌طور مساوی بر عاقله توزیع می‌شود.

۵- دلیل سوگند خوردن عاقله و تقدم قول وی آن است که در جنایت، اصل بر عمدی بودن است و چون قاتل مدعی خطایی بودن است و عاقله منکر آن، قاتل (مدعی) حسب قاعده باید بی‌سئه اقامه کند و در صورت ناتوانی، منکر سوگند می‌خورد و بری می‌شود.

۶- حکم مقرر در ماده ۴۶۴ و تبصره آن مبتنی بر قاعده «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» است. ظاهر آن است که رفتار فاعل مختار مبتنی بر اراده است؛ بنابراین کسی که مدعی است اقدام منتهی به جنایت او خطایی و خارج از اراده بوده است، باید ادعایش را ثابت کند. همچنین اصل بر آن است که هر کس ضامن آثار رفتار زیان‌بار خود است و مسئولیت عاقله به عنوان امری استثنایی و در حدود قدر متیقن موکول به اثبات خطایی بودن رفتار عامل زیان است؛ بنابراین احکام منکر بر عاقله بار می‌شود و آثار سوگند یا نکول هر کدام از افراد نیز صرفاً به خودش باز می‌گردد و تبصره ماده ۴۶۴ در مقام تأکید بر این امر روشن است.^(۱۶)



وقتی دادسرا جنون مرتکب جرم را احراز کرد، طبق ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) قرار موقوفی تعقیب صادر می‌کند، ولی پیش از آن، باید عاقله مرتکب جرم را شناسایی و دعوت و اظهارات آنها را استماع کند. سپس همان پرونده کیفری را که در رابطه با جنبه عمومی آن قرار موقوفی تعقیب صادر شده است، در اجرای ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری به دادگاه ارسال کند و دادگاه کیفری هم با دعوت از عاقله و استماع اظهارات و دفاعیات ایشان، چنانچه مورد ضرب و جرح را از مصادیق مسئولیت عاقله دانست، در همان پرونده کیفری و بدون لزوم تقدیم دادخواست، عاقله را به پرداخت دیه در حق مجنی علیه محکوم کند.

همین پاسخ در خصوص مرتکب غیر رشید نیز قابل ارائه است و اداره حقوقی قوه قضاییه طی یک نظریه مشورتی^(۲۰) در این خصوص بیان داشته است: «عبارت «مقررات مربوط به پرداخت دیه و خسارت...» مذکور در ماده ۹۲ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) اشاره به مقررات مربوط به پرداخت دیه و خسارت به طور عام دارد؛ یعنی کلیه مقرراتی که در قانون در خصوص دیه پیش‌بینی شده است؛ از جمله مقررات کتاب چهارم (دیات) قانون مذکور؛ و به نظر می‌رسد هدف مقنن از وضع ماده مذکور در فصل مربوط به مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال، بیان‌گر این امر باشد که طفل و یا نوجوان بودن مرتکب جرم، تأثیری در

گرفته است، کودک را شیر ندهد یا پزشک یا پرستار وظیفه قانونی خود را ترک کند».

۱۰- «ارتکاب جنایت در حال مستی و عدم تعادل روانی در اثر مصرف مواد مخدر، روان‌گردان و مانند آنها موجب قصاص است مگر اینکه ثابت شود بر اثر مستی و عدم تعادل روانی، مرتکب به کلی مسلوب‌الاختیار بوده است که در این صورت، علاوه بر دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود. لکن اگر ثابت شود که مرتکب قبلاً خود را برای چنین عملی مست کرده و یا علم داشته است که مستی و عدم تعادل روانی وی ولو نوعاً موجب ارتکاب آن جنایت یا نظیر آن از جانب او می‌شود، جنایت عمدی محسوب می‌گردد».

۱۱- «به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد».

۱۲- «اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده در حین اقرار، عاقل، بالغ، قاصد و مختار باشد».

۱۳- نظریه مشورتی شماره ۷/۲۵۰۳ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۴

۱۴- «در مواردی که بین طرفین حادثه در خصوص تعیین مقصر و یا میزان تقصیر اختلاف نظر باشد و یا در صورت عدم امکان تعیین راننده مسبب حادثه توسط پلیس راهنمایی و رانندگی، خسارت بر اساس رأی مرجع قضایی پرداخت خواهد شد».

۱۵- نظریه مشورتی ۷/۱۴۹۴ مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۵ اداره حقوقی قوه قضاییه

۱۶- نظریه مشورتی شماره ۷/۳۰۵۵ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۵ اداره حقوقی قوه قضاییه

۱۷- نظریه مشورتی شماره ۷/۲۶۰ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۵ اداره حقوقی قوه قضاییه

۱۸- «هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمیز باشد مجنون محسوب می‌شود و مسئولیت کیفری ندارد».

۱۹- «جنایت در موارد زیر خطای محض محسوب می‌شود: الف- در حال خواب و بیهوشی و مانند آنها واقع شود؛ ب- به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد؛ پ- جنایتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را، مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید. تبصره- در مورد بندهای (الف) و (پ) هر گاه مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌گردد، جنایت عمدی محسوب می‌شود».

۲۰- نظریه مشورتی شماره ۷/۲۵۰۳ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۴

پی‌نوشت‌ها

۱- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۸۴۳ مورخ ۱۳۷۱/۱۱/۲۷ اداره حقوقی قوه قضاییه

۲- ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آنها انجام شود».

۳- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۰۰۰ مورخ ۱۳۹۵/۴/۳۰

۴- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۶۸۵ مورخ ۱۳۹۵/۷/۱۸

۵- نظریه مشورتی شماره ۷/۳۲۰۱ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۸

۶- ماده ۴۷۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): «در صورتی که مرتکب دارای عاقله نباشد یا عاقله او به دلیل عدم تمکن مالی نتواند دیه را در مهلت مقرر بپردازد، دیه توسط مرتکب و در صورت عدم تمکن از بیت‌المال پرداخت می‌شود. در این مورد فرقی میان دیه نفس و غیر آن نیست».

۷- نظریه مشورتی شماره ۷/۲۵۳ مورخ ۱۳۹۷/۳/۱ اداره حقوقی قوه قضاییه

۸- ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲): «در مواردی که دیه باید از بیت‌المال پرداخت شود، پس از اتخاذ تصمیم قانونی راجع به سایر جهات، پرونده به دستور دادستان برای صدور حکم مقتضی به دادگاه ارسال می‌شود. تبصره ۱- حکم این ماده در مواردی که پرونده با قرار موقوفی تعقیب یا با هر تصمیم دیگری در دادسرا مختومه می‌شود اما باید نسبت به پرداخت دیه تعیین تکلیف شود نیز جاری است. تبصره ۲- در مواردی که مسئولیت پرداخت دیه متوجه عاقله است، در صورت وجود دلیل کافی و با رعایت مقررات مربوط به احضار، به وی اخطار می‌شود برای دفاع از خود حضور یابد. پس از حضور، موضوع برای وی تبیین و اظهارات او اخذ می‌شود. هیچ یک از الزامات و محدودیت‌های مربوط به متهم در مورد عاقله قابل اعمال نیست. عدم حضور عاقله مانع از رسیدگی نیست».

۹- «هرگاه کسی فعلی که انجام آن را برعهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده او گذاشته است ترک کند و به سبب آن جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد جنایت حاصل به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه عمدی، یا خطای محض است، مانند اینکه مادر یا دایه‌ای که شیر دادن را بر عهده